

درباره خرده‌بورژوازی در سرمایه‌داری پیرامونی

در برخورد به مساله خرده‌بورژوازی و نیز بعضی از احکام و پیش‌فرض‌هایی که در تحلیل‌های مختلف ارائه می‌شود، روی چند موضوع تاکید خاصی انجام می‌گیرد: یکی تمایز میان خرده‌بورژوازی سنتی و خرده‌بورژوازی نوین است. در اینجا سعی می‌کنیم حدود کاربرد این تمایز را در سرمایه‌داری پیرامونی معین کنیم، تا از برخی از کلی‌گویی‌ها و احکام تجریدی احتراز کرده باشیم.

یکی دیگر از مسائل مورد بررسی، که در تحلیل‌ها بدان مرتباً اشاره می‌شود، تحت هجوم بودن خرده‌بورژوازی (سنتی) و پیوستن آن به صفوف پرولتاریا است. در این مورد نیز سعی بر آن شده است که این مساله را در رابطه با سرمایه‌داری پیرامونی و با اتکاء به زمینه‌های مادی ویژه کشورهای عقب‌مانده بررسی کنیم، تا قدمی از تجرید به سوی مسائل مشخص برداریم. برای این کار مساله رقابت را در سرمایه‌داری پیرامونی مطرح کرده‌ایم و آن را با رقابت در سرمایه‌داری مرکزی مقایسه نموده‌ایم و از این رهگذر به تفاوت‌های آنها اشاره کرده‌ایم. در چارچوب مساله رقابت در سرمایه‌داری پیرامونی است که مساله هجوم به خرده‌بورژوازی به نحو مشخص‌تری مطرح می‌شود.

از طرف دیگر ایدئولوژی خرده‌بورژوازی را به مثابه ایدئولوژی تولیدکنندگان (و توزیع‌کنندگان) کوچک و به عنوان ایدئولوژی‌ای ماهیتاً ارتجاعی (اتوپستی و در نهایت ارتجاعی) که مدافع منافع تولید خرد است و با ایدئولوژی ناشی از قطب مدرن سرمایه‌داری در کشورهای عقب‌مانده (در مقطع مشخصی از توسعه سرمایه‌داری پیرامونی) در تعارض قرار می‌گیرد، ارزیابی کرده‌ایم. از این رهگذر ایدئولوژی خرده‌بورژوازی و موقعیت آن در ساخت اقتصادی - بهتر نمایان می‌شود.

خرده‌بورژوازی سنتی در دوران تکوین و مراحل اولیه رشد سرمایه‌داری حیات داشته و در اثر توسعه سرمایه‌داری رقابت با سرمایه بزرگتر که دائماً تکنولوژی بکار می‌برد ورشکست می‌شود. در این رقابت تولید خرد، حوزه‌های عمده‌ای از انباشت را که مورد هجوم سرمایه بزرگتر قرار گرفته از دست می‌دهد، و بخش وسیعی از تولیدکنندگان خرد پرولتریزه می‌شوند.¹

"لایه‌های زیرین طبقات میانین پیشین یعنی صنعتگران کوچک، کاسبکاران، و رباخواران کوچک، پیشموران و دهقانان، همه به صفوف پرولتاریا می‌ریزند، بخشی بدان سبب که سرمایه کوچکشان برای اداره بنگاه صنعتی بزرگ بسنده نیست و یارای رقابت با سرمایه‌داران بزرگتر را ندارند و بخشی از آن جهت که مهارت فنی آنان در قبال شیوه‌های جدید تولید بی‌ارزش می‌شود. بدینسان از میان طبقات اهالی پیوسته عناصر تازه‌ای به صفوف پرولتاریا می‌پیوندند."²

و یا:

... زیرا همانطور که صنعت جدید ابتدا از این رو اهمیت یافت، که افزار کار را به ماشین، کارگاهها را به کارخانه‌ها و از این راه زحمتکشان طبقه متوسط را به پرولتاریای زحمتکش و تجار بزرگ را به کارخانه‌داران بدل نمود، آری همانطور که در این جا طبقه متوسط کوچک رانده شده و جمعیت به کارگران و سرمایه‌داران معارض استحاله یافت، همین امر در خارج از عرصه صنعت بمفهوم محدود آن در مانوفاکتورها و حتی در تجارت نیز صورت گرفت.

1 - در کشورهای "مرکزی"، تولید خرد تمام حوزه‌های فعالیت را از دست نداده است. هم اکنون می‌توان تولید خرد را هم در روستا و هم در شهرهای کشورهای سرمایه‌داری مرکزی مشاهده نمود. کالاهایی که آنها تولید می‌کنند ارزش مصرفشان زیاد است. بهمین خاطر این تولیدات برای مصرف‌کننده اهمیت پیدا می‌کند. مانند نانوايي‌ها (که در مقابل نان ماشینی هنوز دوام آورده‌اند) و یا صنایع دستی و غیره...

2 - مانیفست حزب کمونیست، مارکس و انگلس، ص - 16.

جای استادکاران و شاگردان سابق را سرمایه‌داران بزرگ و کارگران گرفتند، کارگرانی که هیچگونه چشم‌انداز ارتقاء از طبقه خود را نداشتند.

مانو فاکتورها چونان کارخانه‌ها اداره می‌شدند و تقسیم کار دقیقاً اجراء می‌شد و استادکاران خرده پایبی که قادر به رقابت با مؤسسات بزرگ نبودند، طبقه پرولترها رانده می‌شدند. و در عین حال با اضمحلال مانو فاکتورها و انهدام خرده بورژوازی، هرگونه امکان بورژوا شدن از کارگران سلب شد. کارگر تا به حال همواره این چشم‌انداز را داشت که بعنوان استادکار در جایی مستقر شود و بعدها شاید شاگردانی داشته باشد. ولی اکنون، پس از آنکه خود استادکار توسط کارخانه‌داران رانده شده، و برای یک کارگاه مستقل سرمایه کلانی لازم بود، پرولتاریا یک طبقه واقعی و باثبات جمعیت گشت، حال آنکه قبلاً تنها گذرگاهی به بورژوازی بود. اکنون هر کس که بمثابة کارگر زاده می‌شد، چشم‌انداز دیگری جز اینکه برای تمام عمر پرولتر بماند، نداشت. بنابراین تازه اکنون پرولتاریا قادر بایجاد جنبش مستقلی بود.³

بنابراین با افزایش یکپارچگی (انتگراسیون) بازار و هجوم سرمایه‌های بزرگتر به حوزه تولید خرد، و در اثر عملکرد قانون ارزش و انباشت در سرمایه‌داری رقابتی، تولید بتدریج به سوی تمرکز پیش رفته و گروهی از تولیدکنندگان خرد از دایره رقابت خارج می‌گردند. در واقع در سرمایه‌داری مرکزی، در آغاز تکوین، خرده بورژوازی یا تولید خرد نطفه بورژوازی را در درون خود می‌پروراند.

خرده بورژوازی مدرن در اثر رشد سرمایه‌داری و همراه این نظام بوجود می‌آید. پیچیده شدن سیستم اقتصادی - اجتماعی و رشد شهرنشینی باعث گسترش هرچه بیشتر بخش خدمات و بوروکراسی (لشکری و کشوری)، مشاغل آزاد، تکنوکراسی و... می‌شود.

در کنار این اکثریت بزرگ که صرفاً بیگاری می‌دهد، طبقه‌ای رها از کار تولیدی مستقیم بوجود می‌آید که امور همگانی اجتماع را رتق و فتق می‌کند: مدیریت، مشاغل دولتی، عدلیه، علم، هنرهای مختلف و غیره. پس قانون تقسیم کار مبنای تقسیم جامعه به طبقات است.⁴

"هم اکنون تمام وظائف اجتماعی سرمایه‌داران توسط کارمندان حقوق بگیر انجام می‌گیرد."⁵

این خرده بورژوازی تفاوتی مهم با خرده بورژوازی سنتی دارد و آن نداشتن مالکیت بر وسایل تولید است، و تنها بر مبنای جایی که در سیستم تولیدی و یا تقسیم اجتماعی کار دارد و سهمی که از ثروت اجتماعی بدست می‌آورد قابل بررسی می‌باشد. خصلت بخش عمده این خرده بورژوازی حقوق بگیر بودن است.

خرده بورژوازی مدرن در سرمایه‌داری پیرامونی مشابه سرمایه‌داری کلاسیک است و در برخی از تحلیل‌ها از آن بنام طبقه متوسط جدید اسم برده شده است.

خرده بورژوازی سنتی در سرمایه‌داری پیرامونی:

بر اثر عدم انتگراسیون (یکپارچگی) بازار و وجود زمینه‌های گوناگون برای فعال بودن تولید خرد، خرده بورژوازی سنتی یا به حیات خود ادامه می‌دهد. و یا به فعالیت‌های قطب عقب‌مانده سرمایه‌داری انتقال می‌یابد. برای توضیح مطلب، ما آنرا به دو قسمت خرده بورژوازی شهری و روستایی تقسیم می‌کنیم.

الف خرده بورژوازی شهری:

³ - وضع طبقه کارگر در انگلستان - انگلس - ص 36.

⁴ - آنتی دورینگ، انگلس، ص - 274.

⁵ - همانجا - ص - 271.

1- بخشی از خرده بورژوازی سنتی شهری از بقایای تولید خرد قدیمی بوده و همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد، که گروهی از آنها برای اقشار "در حاشیه" و کم درآمد، تولید و توزیع کالا می‌نماید و گروهی دیگر کالاهایی را تولید می‌کنند که ارزش مصرفیشان برای خریداران با اهمیت می‌باشد و سرمایه‌های بزرگ با کاربرد تکنولوژی قادر به عرضه چنان ارزش مصرفی نیستند.

2- بخش دیگری از خرده بورژوازی سنتی شهری وجود دارد که در حال توسعه می‌باشد (حول قطب مدرن سرمایه‌داری به فعالیت پرداخته و در واقع فعالیت آنها در حوزه‌هایی است که حاصل وجود و گسترش قطب مدرن سرمایه‌داری می‌باشد).

ب - خرده بورژوازی روستایی:

1- بخشی از این خرده بورژوازی به علل گوناگون به حیات خود ادامه می‌دهد.⁶
2- بر اثر تأثیر عوامل تغییر دهنده (یعنی عواملی که ناشی از بکار گرفتن روشهای تولید سرمایه‌داری در منطقه بوجود می‌آیند مثل: تغییر روش تولید، سلب مالکیت، بکارگیری تکنولوژی، تغییر نوع محصول در رابطه بازار، وام، تصرف زمین، ...) و عوامل رکودی (ناشی از ازدیاد نفوس، کمبود زمین) از بسیاری از اقشار خرده بورژوازی روستایی، سلب مالکیت شده و به شهرها مهاجرت می‌نمایند. این گروه در شهرها به تهیدستان شهری پیوسته و از طرق گوناگون (اشتغال کاذب، نیروی کار قطب عقب‌مانده که اشتغالش ناپایدار است، گدایی، ...) به حیات ادامه می‌دهند. (ر. ک به "تهیدستان شهری و پوپولیسیم").

3- باید توجه داشت که بعضی از مهاجرین روستایی، "سلب مالکیت شده" نیستند بلکه برای استفاده از امکانات شهری مهاجرت نموده‌اند. این گروه هنگام مهاجرت طبقه اجتماعیشان را از دست نمی‌دهند و به فعالیت‌های اقماری قطب مدرن می‌پردازند. امکانات طبقاتی و مکانیزم‌های ناشی از همبستگی‌های طبقاتی وسیله‌ای است که فعالیت این گروه را در شهر با مشکلات زیادی روبرو نمی‌نماید. (ر. ک به "تهیدستان شهری و پوپولیسیم").

انتقاد به مفاهیم سنتی و مدرن در سرمایه‌داری پیرامونی:

همانطور که گفته شد در سرمایه‌داری مرکزی تولید خرد نطفه بورژوازی را در درون خود می‌پروراند و در رقابت با آن رو به اضمحلال می‌رود. ولی در سرمایه‌داری پیرامونی، تولید خرد منشاء بورژوازی صنعتی نیست و این امر بخاطر رشد ناموزون سرمایه‌داری در سطح جهانی است که سرمایه را به حدی از تمرکز و انباشت می‌رساند (پدیده انحصارها) که از عهده تولید خرد کشورهای پیرامونی خارج می‌گردد و این تولید خرد قادر به پروراندن بورژوازی صنعتی در درون خود نمی‌باشد.

بخاطر واردات کالا از مرکز، الگوهای مصرفی که در پیرامون پدید آمد از طریق این نوع کالاها مشروط شد. صنعتی شدن، در پیرامون ایجاب می‌کند که از فنون و صنایعی استفاده شود که بتواند جوابگوی این الگوهای مصرف باشد بنابراین تولید خرد اصولاً امکان رشد "صنایع جایگزینی واردات" را نمی‌تواند داشته باشد چون این صنایع بکلی از میزان انباشت تولید خرد بالاتر است. بورژوازی صنعتی نیز با توجه به ضعف‌های تاریخی آن با حمایت‌های همه جانبه دولت (ایجاد زیرساخت‌ها، پرداخت وام کم بهره، تسهیلات گمرکی، حمایت‌های مختلف مثل بالا بردن تعرفه گمرکی و گرفتن سود بازرگانی از بعضی از کالاها تا صنایع مونتاژ داخلی نظر آن بتواند به کار ادامه دهند، و انواع حمایت‌های سیاسی...) ظهور و توسعه

⁶ - در این مورد باید بطور مشخص، منطقه به منطقه، روستا به روستا و مورد به مورد و با توجه به ساخت اقتصادی - اجتماعی بدان پرداخته شود. در هر مورد باید مساله شهر و روستا، زیر ساخت‌ها، پراکنگی و یا عدم ارتباط بین آنها و یا تجمع آنها، نوع محصول، روابط و مناسبات و اقشار درون هر روستا، تأثیر عوامل سیاسی، ... را دید. برای همین در این مورد نمی‌توان حکمی کلی داد. ولی همواره باید ارتباط بین انکشاف صنعتی و کشاورزی را در مدنظر داشت.

⁷ - 26 خرداد 1345 شریف امامی در گزارش خود به "سهام‌داران" بانک توسعه صنعتی، معنای، سیاست دولت را چنین تشریح می‌کند: "بخش خصوصی که هنوز دوران طفولیت را طی می‌کند نخواهد توانست در میدان مسابقه با عملیات خیره کننده بخش دولتی

یافته است. بورژوازی صنعتی مدرن در سرمایه‌داری پیرامونی با سرمایه‌داری "مرکزی" رابطه مستقیم داشته و پویای توسعه و گسترش آن مشروط به همین رابطه است. خرده بورژوازی سنتی با توجه به شرایط ساختی به آنچنان زمینه‌های فعالیت‌های رومی می‌آورد که نه فقط با ظهور قطب مدرن سرمایه‌داری زوال نیافته بلکه حول آن گسترش هم می‌یابد. این خرده بورژوازی بطور مستقیم (یعنی در یک حوزه تولید) مورد هجوم بورژوازی بزرگ صنعتی قرار نمی‌گیرد. حتی در صورت هجوم سرمایه به حوزه فعالیتش و یا بوجود آمدن موانع مختلف، یا به صورت اقمار قطب مدرن (همان حوزه) درآمده و یا به حوزه‌های دیگر فعالیت جابجا می‌شود.

بنابراین نباید تصور کرد که فعالیت‌های قطب عقب‌مانده تماماً در برگیرنده فعالیت‌های قدیمی و بازمانده از تولید خرد است و در نتیجه حامل خرده‌بورژوازی "سنتی" به معنای کلاسیک آن می‌باشد. بلکه این فعالیت‌ها عمدتاً شامل فعالیت‌های اقماری قطب پیشرفته بوده و قسمتی از خرده بورژوازی سنتی به معنی کلاسیک آن (بازمانده تولید خرد) از فعالیت‌های قدیمی‌تر به این فعالیت‌ها رو می‌آورند.⁸

در مورد رقابت سرمایه‌داری "رقابتی" با خرده بورژوازی در پیرامون، باید گفت که: سرمایه‌داری همواره به مثابه یک سیستم جهانی بایستی مورد تحلیل قرار گیرد. سرمایه‌داری رقابتی در شرایط تاریخی ظهور یافت و رشد کرد که در هیچ نقطه‌ای، انباشت عظیمی از سرمایه وجود نداشت. اما زمانی که سرمایه‌داری در جزء سیستم‌های خود به انباشت عظیم رسید و مرحله حاکمیت انحصارها پدید آمد، دیگر رقابت آزاد بین تولیدکنندگان یک حوزه اقتصادی معنای خود را از دست داد (اگر چه بین انحصارها رقابت وجود دارد) و بالنتیجه قوانین اقتصادی - اجتماعی که منحصر به دوران سرمایه‌داری رقابتی بود دچار تحول گردید. دیدگاه‌های وجود دارند که از یکسو بسر رسیدن دوران سرمایه‌داری رقابتی را عنوان می‌کنند و از سوی دیگر در محتوای مسائلی که مطرح می‌کنند معتقدند که خرده بورژوازی مورد هجوم شدید سرمایه‌های بزرگ بوده و در حال از بین رفتن است. مثلاً:

"در ایران پیش از انقلاب، خرده بورژوازی شهری گرچه در عرصه تولید و توزیع و خدمات نقش مهمی داشت، اما گسترش سرمایه‌داری بطور اعم و سرمایه‌داری بزرگ وابسته بطور اخص، میدان فعالیت آن را دم بدم تنگ‌تر می‌کرد و گروه‌های روزافزونی از آن را به سوی ورشکستگی می‌راند. عناصر خرده بورژوازی سنتی... ناگزیر به در غلطیدن به صفوف کارگران و فروش نیروی کار خود می‌شدند این تقدیر اکثریت کسبه و پیشه‌وران را به مبارزات دمکراتیک و پرخاش و ستیز با امپریالیسم و مظاهر آن سوق می‌داد." (تاکید از ماست).⁹

یا:

"رشد و توسعه انحصارات سرمایه‌داری وابسته - از جمله بوجود آمدن فروشگاه‌های بزرگ و فشار روزافزون آنها بر خرده بورژوازی سنتی از طریق رقابت و در نتیجه کسادی کسب و کار، کاهش در آمد و پائین نرخ رشد اقتصادی خرده بورژوازی سنتی، اعتراضات و مبارزات این گروه را که چند صباحی دچار افول شده بود، مجدداً شعله‌ور ساخت.¹⁰ (تاکید از ماست)

همگام باشد مگر آنکه سیاست عملی دولت و اقدامات افسران و کادر دولتی به ضعف نسبی بخش خصوصی هوشیار بوده... مساعدتهای مالی و فنی خود را به آن بخش بیش از پیش و با کمال حسن نیت افزایش دهند..."

8 - بسیاری از این جابجایی‌ها، نه در اثر ورشکستگی و یا هجوم سرمایه بزرگ‌تر به آن حوزه از فعالیت، بلکه در اثر سودآورتر بودن حوزه‌های دیگر فعالیت بوده است. مثلاً بقالی‌ها به لباس‌فروشی یا... تبدیل می‌شدند.

9 - چپ و روها و مساله‌های بنام خرده بورژوازی. ص 7- حیدر مهرگان. انتشارات حزب توده ایران.

10 - خرده بورژوازی و انقلاب رزمندگان - ص 60.

یا:

"ایجاد فروشگاههای زنجیره‌ای برای در هم شکستن واحدهای کوچک در حوزه توزیع طرح‌ریزی شده بود."¹¹

همانطور که قبلاً اشاره شد، قطب مدرن سرمایه‌داری تکنولوژی و سازمان‌یابی تولیدی خود را از مرکز می‌گیرد و با آن وارد رابطه‌ای مستقیم می‌شود. بکارگیری تکنولوژی از طرف این قطب، صرفاً بخاطر افزایش بارآوری کار (یعنی پویای مداوم کاربرد تکنولوژی)، نیست علت دیگر آن دنبال‌روی از پویای انباشت سرمایه جهانی است که در آن انباشت و کاربرد تکنولوژی بشدت با یکدیگر ادغام شده‌اند. اما بعد از وارد کردن تکنولوژی بصورت یک واحد صنعتی، به مرور زمان پویای تولید محصول آن واحد صنعتی با نیروی کار محلی ارتباط برقرار می‌نماید و بخاطر وجود مازاد نیروی کار تولید قسمت‌هایی از آن محصول را - که قبلاً در مرکز با استفاده از تکنولوژی مدرن انجام می‌شد - تولیدکنندگان خرد یا رشته‌های عقب مانده انجام می‌دهند؛ بعبارت دیگر تولید خرد با استفاده از نیروی کار غیر ماهر که تحت شرایط فوق بهره‌کشی است، قسمت‌هایی از آن محصول را ارزانتر تولید می‌نمایند، و بمرور زمان تولیدکنندگان خردی بوجود می‌آیند که حول آن قطب مدرن سرمایه‌داری شروع به فعالیت می‌نمایند.¹²

بسیاری از دیدگاه‌هایی که معتقدند "فروشگاههای زنجیره‌ای برای در هم شکستن واحدهای کوچک در حوزه توزیع طرح‌ریزی شده‌اند"، هیچ‌گاه روشن نکرده‌اند که چگونه و تحت چه مکانیسمی، واحدهای کوچک در "رقابت" با فروشگاه‌های بزرگ ورشکست شده‌اند. از نحوه طرح مساله از طرف این دیدگاهها، چنین می‌توان فهمید که آنها تنها بزرگی سرمایه فروشگاههای زنجیره‌ای را در مقابل کوچکی سرمایه مغازمداران قرار داده‌اند، و به هیچ عنوان به نحوه کارکرد این دو سرمایه در رابطه با ساخت اقتصادی و پویای بکارگیری تکنولوژی و نحوه توسعه هر یک از آنها اشاره‌ای نکرده‌اند. در حالیکه باید گفت بخاطر مسایل مختلفی که فروشگاههای زنجیره‌ای با آن درگیرند، از قبیل هزینه‌های زیرساختی (آب و برق و تلفن...)، هزینه تبلیغ،... و عدم سازمان‌یافتگی توزیع، تعداد زیاد کارگر و کارمند،... این فروشگاهها با نوعی اتلاف و اشتغال کاذب مواجهند که باعث افزایش هزینه و در نتیجه بالا رفتن قیمت کالاها می‌شود. به همین خاطر هم هست که توزیع خرد (مغازه‌ها) همان کالاها را به همان قیمت و یا حتی ارزانتر از آنچه که در فروشگاههای زنجیره‌ای بفروش می‌رسد عرضه می‌کنند.¹³

باید توجه داشت که فروشگاههای زنجیره‌ای تنها با حمایت دولت (دادن وام‌های کم بهره، فراهم نمودن زیرساخت‌ها، عدم پرداخت مالیات و در عوض بستن مالیات و عوارض بر توزیع خرد،...) توانسته بودند که بکار ادامه دهند و فعالیت نمایند. مساله دیگر آن است که این فروشگاهها هر نوع کالایی را عرضه نمی‌کردند و در همه نقاط هم ساخته نمی‌شدند. در این رابطه مساله افشار اجتماعی و نیاز و الگوهای مصرف آنها (در نقاط و محلات مختلف) باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین فعالیت فروشگاههای زنجیره‌ای، با فعالیت بسیاری از توزیع کنندگان خرد که کالاهای بخصوصی را برای افشار بخصوصی توزیع می‌نمودند، اساساً تداخل

¹¹ - فاشنیسم کابوس یا واقعیت 2- راه کارگر ص 15

¹² - برای مثال می‌دانیم که بسیاری از شرکت‌های بزرگ ساختمانی خارجی برای مجموعه‌سازی وارد ایران شدند. این شرکت‌ها بعد از مدتی مجبور به تغییر طرحهای خود شدند و مثلاً ساختن سقف مجموعه ساختمانی را به یک بساز بفروش کنتراکت دادند تا او با استفاده از نیروی کار ساده آن سقف را با تیر آهن و طاق ضربی فنون عقب مانده بسازد. - این موارد را می‌توان در کارخانه پیکان و بسیاری دیگر از کارخانجات صنعتی هم مشاهده نمود. محصولات اولیه این کارخانه‌ها با دوام‌تر از محصولات سالهای بعدی آنان است.

¹³ - در صورتی که در سرمایه‌داری مرکزی، فروشگاههای بزرگ با استفاده و یا بکارگیری تکنولوژی و سازمان‌یابی توزیع،... کالاهای ارزانتری را نسبت به توزیع خرد عرضه می‌کنند و از همین طریق است که آنها را ورشکست می‌نمایند.

می‌نمود، تا چه رسد به اینکه مساله ورشکستگی این عده را بخواهیم در مقابل و در رقابت با فروشگاه‌های زنجیره‌ای مطرح نماییم.

از آنچه که گفته شد مساله "رقابت" و "ورشکستگی" تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان خرد در مقابل سرمایه‌های بزرگ را باید با دقت بیشتری روشن نمود، چرا که طرح مسئله "رقابت" بین آندو قابل تأمل است.

برای روشن شدن مطلب، باید دید که رقابت میان تولیدکنندگان در سرمایه‌داری رقابتی (در دوران رقابتی در مرکز) چگونه و تحت چه شرایطی صورت می‌گرفت و مشخص نمود که "رقابت" میان تولیدکنندگان در سرمایه‌داری پیرامونی به چه صورتی است (با توجه به مقطع مشخص تاریخی) عبارت دیگر باید رابطه بین تولیدکنندگان را در سرمایه‌داری پیرامونی و در شرایط ویژه ساختی‌اش بررسی نمود. باید دید که آیا تولید خرد در رقابت با بورژوازی بزرگ از بین می‌رود یا نه؟ اگر آری، مکانیسم آن چیست؟

در طرح مساله رقابت بین تولیدکنندگان در سرمایه‌داری، آنرا به دو دسته که نمایانگر دو نحوه یا دو نوع مکانیسم رقابت بین تولیدکنندگان است تقسیم نموده و تحقق هر یک را در رابطه با "مرکز" و "پیرامون" بررسی می‌نماییم:

الف - رقابت درون یک حوزه تولیدی (در مرکز و در پیرامون)

ب - رقابت بین حوزه‌های مختلف تولیدی (در مرکز و در پیرامون)

الف - در مرکز - منظور از این رقابت رقابتی است که در سرمایه‌داری میان تولیدکنندگان درون حوزه تولیدی واحدی صورت می‌گیرد. در سرمایه‌داری مرکزی به علت مبارزه متشکل و مستقل طبقه کارگر با بورژوازی و قدرت این طبقه در کسب برخی از حقوق خود (مانند کم کردن ساعت کار در روز و غیره... و کلاً حقوق اقتصادی - اجتماعی - سیاسی)، بورژوازی را مجبور نمود که برای کسب ارزش، اضافی به استخراج ارزش اضافی نسبی متوسل شود. بدین ترتیب کاربرد تکنولوژی، در کسب ارزش اضافی از کارگران و در رقابت بین سرمایه‌داران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید، زیرا بکارگیری تکنولوژی باعث کم شدن زمان کار اجتماعی لازم برای تولید یک نوع کالا شده و در رقابت میان سرمایه‌داران یک حوزه تولیدی که همه کالای واحدی را تولید می‌کردند سرنوشت‌ساز بود، بطوریکه بر طبق قانون ارزش، هر سرمایه‌داری که می‌توانست کالا را با هزینه تولید کمتر تهیه نماید، دیگران را از میدان بدر می‌کرد و موجبات ورشکستگی آنها را فراهم می‌آورد. در ضمن بخاطر اهمیت کاربرد تکنولوژی در مرکز، ترکیب ارگانیک سرمایه همواره در حال افزایش بوده و انباشت سرمایه هر بار با مقیاس بزرگتری صورت می‌گرفت و این مساله فاصله بین تولیدکنندگان خرد و سرمایه‌داران بزرگ را که هر بار کالای بهتر و ارزانتری عرضه می‌کردند بیشتر می‌نمود. ضربه‌هایی که در اثر این تحولات به تولید خرد وارد می‌آمد بسیار اساسی و محکم بود زیرا که ازدیاد فاصله بین تولید خرد و سرمایه‌های بزرگ، پیمودن این فاصله را برای سرمایه‌های خرد و ورشکستگان بسیار مشکل غالباً غیر ممکن می‌نمود. بنابراین در اثر رقابت بین تولیدکنندگان یک حوزه تولیدی در مرکز، هر بار عده بیشتری از تولیدکنندگان خرد ورشکست می‌شدند و پویش پرولتریزه شدن مداوماً ادامه داشت.

الف - در پیرامون 1 - رقابت بین تولیدکنندگان رشته‌های عقب مانده: در سرمایه‌داری پیرامونی، به علت وجود مازاد نسبی نیروی کار، سرمایه می‌تواند از مکانیسم‌های فوق بهره‌کشی و استخراج ارزش اضافی مطلق استفاده نماید. تا اینکه مجبور باشد تکنولوژی در تمام سطوح تولید بکار ببرد. بدین خاطر شتاب افزایش بارآوری کار کند است. بخاطر عدم وجود پویش مداوم کاربرد تکنولوژی، و نیز بخاطر اقماری شدن قطب عقب مانده، ترکیب ارگانیک سرمایه در رشته‌های عقب مانده پائین بوده و در نتیجه سرمایه‌های اندک در این رشته‌ها فعال می‌شوند و فاصله قابل توجهی را بین تولیدکنندگان خرد قطب عقب مانده بوجود نمی‌آورد. بنابراین رقابت بین تولیدکنندگان خرد قطب عقب مانده در درون یک حوزه تولیدی

در سرمایه‌داری پیرامونی، موجب ورشکستگی عده‌ای از آنها نمی‌شود و پوشش پرولتریزه شدن در این مورد اتفاق نمی‌افتد.

2- رقابت بین تولید خرد و سرمایه‌های بزرگ و یا رقابت بین قطب عقب مانده و قطب مدرن: در بسیاری از موارد قطب مدرن سرمایه‌داری وارد حوزه تولیدی‌ای می‌گردد که تولید خرد بدان فعالیت مشغول بود. در این وضعیت سه دورنمای تحول را می‌توان برای تولید خرد مشاهده نمود. اول اینکه تولید خرد با استفاده از مکانیسم‌های فوق بهره‌کشی، به حیات خویش ادامه می‌داد در حالت دوم تولید خرد از آن حوزه تولیدی خارج شده و به حوزه‌هایی که قطب مدرن بدان وارد نشده بود (به علت عدم یکپارچگی بازار و رشد ناموزون) جابجا می‌گردید. (پوشش اقماری شدن)¹⁴ سوم اینکه تولید کننده خرد برای اقبال خاصی از افراد جامعه تولید کرده و با سرمایه کمتر به مشاغل حاشیه‌ای برای بازارهای حاشیه‌ای (اقشار کم درآمد) می‌پرداخت.

همانطور که اشاره شد، در صورت هجوم قطب مدرن سرمایه‌داری (سرمایه بزرگتر) به حوزه‌ای که تولید خرد در آن فعالیت دارد، تولید خرد ورشکست نشده و با توجه به امکانات ساختی راه‌های گوناگونی برای ادامه حیات خود می‌یابد و بدین ترتیب در این "رقابت" پوشش پرولتریزاسیون اتفاق نمی‌افتد.

ب: رقابت میان حوزه‌های مختلف تولیدی (در مرکز): رقابت میان تولید کنندگان حوزه‌های مختلف تولیدی در سرمایه‌داری مرکزی، از طریق پائین آوردن هزینه تولید و رشد بارآوری کار (کاربرد تکنولوژی) صورت نمی‌گیرد، بلکه با جابجایی و انتقال سرمایه‌ها از حوزه‌های کم سودتر (نرخ سود در این حوزه پائین است) به حوزه‌های پرسودتر (با نرخ بالاتر) انجام می‌گیرد. انتقال سرمایه و جابجایی آن میان حوزه‌های مختلف از طریق تشکیل نرخ سود در هر رشته و مقایسه آن با نرخ سود متوسطی که تشکیل می‌گردد انجام گرفته و حاکی از ایجاد سرمایه‌ای اجتماعی است که نرخ سود متوسط رابطه آنها را با هم مشخص می‌نماید. نرخ سود متوسط وسیله‌ای است برای تجدید تقسیم ارزش اضافی (که در رابطه با کل سرمایه اجتماعی بوجود آمده) میان سرمایه‌های مختلف تولیدی، که به نسبت (هزینه نرخ سود متوسط) میان آنها تقسیم می‌گردد. اما شرط تشکیل نرخ سود متوسط، یکپارچگی (انتگراسیون) بازار است، که در صورت سازمان یافتگی سرمایه‌داری و ادغام بازارها، و توسعه زیر ساختها بوجود می‌آید. و این امر مستلزم بکارگیری مداوم تکنولوژی در سرمایه‌داری و گسترش دامنه آن در تولید محصولات مختلف است.

"آنچه که رقابت، در يك قلمرو تولید بوجود می‌آورد عبارتست از ایجاد يك ارزش بازار و قیمت بازار برابر که ارزشهای مخصوص بخود و متفاوت کالاها حاصل شده است. ولی رقابت سرمایه‌ها در قلمروهای مختلف تولیدی، نخست قیمت تولیدی را بوجود می‌آورد که نرخ‌های مختلف را یکسان می‌نماید. برای این مورد ضرورت تکامل پیشرفته‌تر شیوه تولید سرمایه‌داری بیش از مورد اول است." ¹⁵ (تاکید از ماست)

تقسیم اجتماعی کار تعمیق نیافته و روابط درون بخشی و میان بخشی کاملی بوجود نیامده است. بعبارت دیگر تولید محصولات متنوع به شیوه سرمایه‌دارانه و مدرن با موانع مختلف روبروست و بازار، در مقطع فعلی از توسعه سرمایه‌داری پیرامونی دارای یکپارچگی کامل نیست. بنا به علل ذکر شده، نرخ سود متوسط میان کلیه سرمایه‌هایی که در تولید محصول اجتماعی شرکت دارند تشکیل نمی‌گردد و رقابت سرمایه‌ها باعث ورشکستگی عده‌ای و تمرکز سرمایه در دست عده دیگر نمی‌شود. بنابراین سرمایه‌های خرد در این بازاری که به علت عدم

¹⁴ - البته در این حالت آشنایی به مسائل مختلفه آن فعالیت دیگر، لازم است.

¹⁵ - سرمایه، جلد سوم، بخش 2 - ص 65

ارگانیزاسیون سرمایه‌داری یکپارچه نبود و بخش‌های مختلف آن در هم ادغام نشده‌اند. همواره جایی برای فعالیت خود می‌یابد و ورشکست نمی‌گردد.
مسئله رقابت در قلمرو توزیع و وجود واسطه‌ها:

موضوعی که باید مورد بررسی قرار گیرد وجود واسطه‌ها در توزیع کالا بوده که با میزان سرمایه‌های متفاوت، - از خرد تا کلان - مشغول به فعالیت می‌باشند. می‌خواهیم ببینیم توزیع کنندگان خرد در "رقابت" با توزیع کنندگان کالا با سرمایه بزرگ، ورشکست می‌شوند یا نه؟
عدم سازمان‌یابی سرمایه‌داری پیرامونی را می‌توان در قلمروهای تولید و توزیع بخوبی مشاهده نمود، چرا که عدم کاربرد مداوم تکنولوژی، سازمان‌یافتگی این سرمایه‌داری را با موانع بسیار زیادی مواجه می‌نمایند. و بنابراین سرمایه‌های بزرگ نمی‌توانند ارتباط بین بخش‌های مختلف را، برقرار نمایند و قادر به شرکت در کلیه روند تولید و توزیع نمی‌باشند. سرمایه‌های بزرگ توزیعی در برقراری ارتباط بین روند تولید و مصرف با مشکلات عظیمی مواجهند، که از مهمترین آنها در روند توزیع، کمبود زیر ساخت‌های ارتباطی می‌باشد. بطوری که برقراری این ارتباط (بین روند تولید و مصرف) را واسطه‌هایی که بصورت مخروطی از بالا (با سرمایه بزرگ) به پائین (با سرمایه کوچکتر) تعدادشان زیاد می‌شود به عهده می‌گیرند.¹⁶ همین امر باعث فعال شدن سرمایه‌های خرد در توزیع کالا می‌شود، بطوری که با سرمایه‌های بزرگ در روند توزیع همزیستی می‌نمایند.

در بررسی مساله "رقابت" بین تولیدکنندگان و توزیع کنندگان کالا در سرمایه‌داری پیرامونی بدین نتیجه می‌رسیم که علی‌رغم دیدگاه‌هایی که معتقدند که تولید خرد در مقابل سرمایه‌های بزرگ توان ایستایی ندارد و محکوم به ورشکستگی است، می‌بینیم که اولاً پویای پروتئریزه شدن تولید خرد اتفاق نمی‌افتد و برعکس زمینه‌های ساختی فراوانی برای فعال شدن تولید خرد (شهری) وجود داشته و تولید خرد و سرمایه‌های بزرگ در بسیاری از موارد با هم همزیستی دارند.

ایدئولوژی خرده بورژوازی

خرده بورژوازی سنتی در اوایل گذار به سرمایه‌داری، و قبل از آن در رسته‌های صنفی فعالیت می‌کرد. این طبقه با انواع و اقسام قراردادهای صنفی شکل خود را حفظ می‌نمود، قراردادها و ضوابطی که در مقابل قانون حاکم بر بازار یعنی قانون ارزش ایستادگی و جدال می‌کرد.

"... تولید به منظور مبادله، یعنی تولید کالایی، تازه در شرف تکوین بود. از اینرو مبادله محدود، بازار محدود، شیوه تولید ثابت، درهای بسوی خارج بسته، اتحاد ملی در داخل: مارک در ده و صنف در شهر."¹⁷

بنا به قانون ارزش و در مبادله کالاها با یکدیگر، زمان کار نابرابری که در هر کالا وجود دارد در مقابل هم قرار گرفته و موجب ورشکستگی عده‌ای در این مبادله می‌شود. مبارزه خرده بورژوازی سنتی با کاربرد وسایل نوین تولید، در واقع جدائی در مقابل قانون ارزش و حفظ برابری بود.

"اما با توسعه تولید کالایی و مشخصاً ظهور شیوه تولید سرمایه‌داری قوانین تا به حال مضمحل در تولید کالایی هم آشکارتر و با قدرتی بیشتر شروع به اثربخشی کرد. اتحادیه‌های قدیمی از هم گسیخته شد، موانع و محدودیت‌های

¹⁶ - البته مواردی را می‌توان مشاهده نمود که با کمک و حمایت‌های فراوان دولت، تمام مرحله توزیع کالا را خود سرمایه بزرگ به انجام می‌رساند. و در مواردی دیگر با در اختیار گرفتن توزیع کالا از طرف دولت انجام می‌گیرد. مثال آن توزیع نفت است که خود دولت آنرا توزیع می‌نماید. اما در آخرین مرحله از توزیع نفت نیز، این مغازه‌های کوچک و با سرمایه کم هستند که با استفاده از نیروی کار ساده و فوق بهره‌مکشی از آن (تنها با یک چرخ دستی)، نفت را در سطح محلات تقسیم می‌نمایند.
¹⁷ - آنتی دورینگ - انگلس - ص 266.

گذشته از پیش پای برداشته شد، از وابستگی تولیدکنندگان هر چه بیشتر کاسته گردید و آنها بصورت تولید کنندگان کالایی مجزا از یکدیگر درآمدند.¹⁸

با توسعه و تحکیم شیوه تولید سرمایه‌داری و در نتیجه رشد صنایع و مؤسسات بزرگ، اندیشه از بین بردن این مؤسسات و یا حفظ وضع فعلی خود برای خرده بورژوازی سنتی از بین رفت و شعار "برابری و برادری و عدالت" که تا مدتها در نزد خرده بورژوازی، روبنای مبارزه برای حفظ خود بود عملکردش را از دست داد. اما بقایای این اندیشه تا مدتها در نزد سوسیالیست‌های تخیلی و طرفداران "برابری و عدالت" وجود داشت. اینان خواهان تعدیل تضادهای سرمایه‌داری بودند. انگلس در مورد اتویست‌ها چنین می‌گوید:

"اتویست‌ها همانطور که دیدیم، اتویست بودند، زیرا در آن زمان که تولید سرمایه‌داری چنین تکامل نیافته بود، چیز دیگری نمی‌توانستند باشند. آنها مجبور بودند که عناصر جامعه جدید را در مغزشان بسازند، زیرا که این عناصر هنوز بطور عام به عیان ظاهر نشده بودند، برای شالوده ساختمان جدیدشان ناگزیر از توسل به عقل بودند، زیرا که هنوز نمی‌توانستند بتاریخ معاصرشان توسل جویند."¹⁹

بنابراین در طی زمان تحکیم سرمایه‌داری، خرده بورژوازی پرولتریزه شده و ایدئولوژی و شعارهای عدالتخواهانه آن نیز، کمرنگتر می‌گردید، و در نهایت تنها دو طبقه متخاصم کارگر و بورژوازی بودند که در مقابل هم قرار می‌گرفتند. چنانکه انگلس می‌گوید "اکنون هر کس که بمثابة کارگر زاده می‌شد، چشم‌انداز دیگری جز اینکه برای تمام عمر پرولتر بماند نداشت، بنابراین تازه اکنون پرولتاریا قادر بایجاد جنبش مستقلی بود."

در سرمایه‌داری پیرامونی - بنا به تمام دلایل و توضیحاتی که ذکر نمودیم خرده بورژوازی (شهری) حتی با سرمایه‌های اندک فعال می‌شود و با رشته‌های مدرن سرمایه‌داری همزیستی می‌نماید. بعبارت دیگر در سرمایه‌داری پیرامونی پویش مداوم سلب مالکیت و پرولتریزاسیون تولید کنندگان خرد اتفاق نمی‌افتد. اما این مساله دلیل بر این امر نمی‌شود که تولید خرد با بورژوازی بزرگ قطب مدرن هیچ تضاد و برخوردی نداشته باشد، چرا که ما همواره شاهد جدال بین این دو بوده‌ایم. ولی باید روشن نمود که این جدال و برخورد در کدام وجه اتفاق می‌افتد. آیا این جدال بمانند "مرکز" از طریق کاربرد تکنولوژی و توان اقتصادی سرمایه بزرگتر اتفاق می‌افتد؟ در سرمایه‌داری پیرامونی، "رقابت" و جدال قطب مدرن با قطب عقب مانده²⁰ از طریق کاربرد مداوم تکنولوژی و توان اقتصادی انجام نمی‌گیرد، بلکه مساله محوری "رقابت" و یا جدال بین آندو بر سر کسب حقوق و حاکمیت سیاسی می‌باشد و قطب مدرن نیز تنها از طریق حمایت‌های دولتی است که می‌تواند بکار ادامه دهد. نه بخاطر توان اقتصادی، تولید خرد از تمام این حمایت‌ها نصیبی ندارد ولی توانایی انجام یا تولید و توزیع بسیاری از کالاها را در خود می‌بینند و بنابراین خواهان سهم بیشتری برای خود بوده و به حمایت‌های دولت از رشته‌های مدرن معترض است. از آنجایی که قطب مدرن مستقیماً با سرمایه انحصاری رابطه دارد و قدرتش هم متکی به بورژوازی بین‌المللی می‌باشد بیشتر سازمان یافته است، و دولت هم که حامی آن است، برنامه‌ها و تصمیم‌هایش بر اساس منافع قطب مدرن می‌باشد: در اینجا به علت عدم وجود صف مستقل طبقه کارگر و مبارزه پیگیرش در برابر بورژوازی، منافع طبقه کارگر و دهقانان و تولید کنندگان خرد در گرو تصمیمات دولت قرار می‌گیرد. از طرف دیگر بروز کمبودها و مشکلات اجتماعی، اقشار مختلف از جمله تولید کنندگان خرد را نسبت به دولت و قطب مدرن معترض می‌نماید (اعتراضات را دامن می‌زند).

18 - همانجا

19 - آنتی دورینگ - انگلس - ص 260.

20 - در صفحات قبل، مبحث «وابستگی» به مثابه «خروج ارزش اضافی» آمده است

این وضعیت مشخص ساخت اقتصادی - اجتماعی که زمینه‌های موجودیت و فعالیت تولید کنندگان خرد را فراهم آورده است موجب می‌شود که آنها توانایی مبارزه‌ای جدی برای تغییر ساخت موجود را نداشته باشند و چون پرولتریزه هم نمی‌گردند وحدتشان با طبقه کارگر در مبارزه علیه قطب مدرن و سرمایه‌های بزرگ حول حفظ وضعیت موجود (فعال نگه داشتن تولید خرد و استفاده از فوق بهره‌کشی ... ، کم کردن فشارها و...) و در قلمرو مصرفی (خواستهایی که اجتماعی بوده و ناشی از بروز کاستی‌ها است) دور می‌زند. بنابراین ایدئولوژی و خواست تولیدکنندگان خرد همان تعدیل فشارها و تضادهای اجتماعی و "توزیع عادلانه ثروت" می‌باشد که زمینه‌ساز حرکت‌های پوپولیستی است.

خرده بورژوازی سنتی که در رشته‌های عقب مانده فعالیت می‌کند از لحاظ شیوه زندگی نزدیکایی با طبقه کارگر دارد اما زمانی که نمایندگان قطب عقب مانده و یا تولید خرد بقدرت می‌رسد از لحاظ الگویی که به جامعه عرضه می‌دارد از نظر تاریخی ارتجاعی‌تر از قطب مدرن می‌باشد زیرا که متکی به روابط فوق بهره‌کشی است.²¹

خرده بورژوازی مدرن یا طبقه متوسط جدید که حاصل توسعه بخش سازمان یافته سرمایه‌داری است بصورت مزدبگیر بخش خصوصی و دولتی فعالیت می‌نماید. تمام مسائلی را که ما در مورد تولید خرد ذکر کرده‌ایم و بخصوص و فشارهایی که بر آنها در حوزه مصرف وارد می‌شود در مورد این عده هم صادق است. بدین ترتیب گرایش‌ها و خواستهایی را که این گروه داراست می‌توان چنین خلاصه نمود: حقوق دمکراتیک، آزادی‌های سیاسی، توزیع عادلانه ثروت، تعدی فشارها، کم شدن بهره بانکها در دادن وام بدانها، تثبیت قیمت‌ها...

اقتشار بالایی این گروه (مهندسين، دکترها، مدیران و رؤسای ادارات، افسران ارتش) سهم بیشتری از ثروت را نصیب خود می‌کنند و در مقابل تورم، پرداخت مالیاتها و عوارض، از خود انعطاف نشان می‌دهند و اکثراً در پی مبارزه با اوضاع و احوال اقتصادی موجود نیستند (گرچه همواره خواهان سهم بیشتری می‌باشند). در رژیم سابق این اقتشار گاهگاهی بر علیه تعدیلات رژیم، عدم آزادی‌های سیاسی و دمکراسی، از خود عکس‌العمل‌هایی نشان می‌دادند. (بخشهای رادیکال این گروه را روشنفکران و دانشجویان تشکیل می‌دهند).

این قشر در مبارزه با رژیم از راههای "افراطی" مبارزه پشتیبانی نمی‌کند و می‌توان اذعان نمود که بزرگترین پایگاه لیبرالها و مدافعان تز "پیش به سوی تمدن بزرگ" و دفاع از برنامه‌های هیئت حاکمه شاهنشاهی را در همین قشر می‌توان یافت. بنابراین بیشتر از هر کسی بعد از انقلاب، نگران و معترض قشریت مذهبی هستند. این قشر پایگاه اصلی ضد انقلاب و مدافع کودتا بر علیه این رژیم است. اقتشار پائینی خرده بورژوازی مدرن یعنی، روشنفکران، دانشجویان، کارمندان عادی ادارات و... در مبارزه دمکراتیک از متحدین پرولتاریا هستند و در جوامع پیرامونی پرچم دار مبارزات دمکراتیک می‌باشند.

²¹ - باید توجه داشت که جدال میان دو قطب مترادف با جدای میان خرده بورژوازی و بورژوازی بزرگ نیست، زیرا در فعالیت‌های قطب عقب مانده ما با بورژوازی متوسط و گاه بورژوازی بزرگ نیز (خاصه در فعالیت‌های تجاری و سوداگرانه) روبرو هستیم. در اینجا صرفاً آن وجوهی از این جدال را که به خرده بورژوازی مربوط می‌شود و مورد بحث قرار داده‌ایم.